آتش‌سوزی گسترده در کنزالمال

آتش‌سوزی در بازار کنزالمال خرمشهر به آتش گرفتن ۷۲ غرفه، سه انبار و مصدومیت هشت نفر منجر شد.

عزیز ساعدی، سرپرست شهرداری خرمشهر به ایرنا گفت: آتش‌سوزی بازار کنزالمال که در جاده آبادان - خرمشهر است، حوالی ساعت ۲۱ جمعه اول آذر امسال به آتش‌نشانی گزارش شد. ده گروه آتش‌نشان از پنج شهر خوزستان از جمله آبادان، شادگان، بندرامام، اهواز و خرمشهر برای عملیات امداد و نجات در محل حاضر شدند. آنها با حضور در آنجا به خاموش کردن شعله‌های آتش پرداختند و سرانجام بامداد شنبه دوم آذر آتش را مهار کردند. آتش به سه انبار کالا و ۷۲ غرفه خسارت مالی وارد کرد. در این آتش‌سوزی هشت نفر مصدوم شدند که هم‌اکنون در بیمارستان‌های آبادان و خرمشهر بستری هستند.

میزان خسارت‌های اولیه در این حادثه به مغازه‌ها ۲۵ میلیارد تومان برآورده شده که احتمال دارد میزان این خسارت افزایش می‌یابد.

شلاق و تبعید، مجازات مسافرکش شیطان‌صفت

مرد جوان که به عنوان مسافرکش طعمه‌های خود را به دام می‌انداخت، به اتهام آزار و اذیت دو زن در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. متهم با رای دادگاه به شلاق و تبعید محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شانزدهم دی ماه سال قبل زن جوانی به نام ساناز با مراجعه به پلیس ورامین از یک راننده پراید به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد. ساناز در طرح شکایت خود به پلیس گفت: ساعت ۸ شب بود که می‌خواستم ماشین بگیرم. یک خودروی پراید جلوی پایم ایستاد و من مسیرم را گفتم و سوارم کرد. کمی که در مسیر حرکت کرد. ناگهان وارد مسیر انحرافی شد و زمانی که به او اعتراض کردم، چاقو کشید و تهدیدم کرد اگر صدایم دربیاید روی صورتم را با چاقو خط می‌اندازد. بعد به جای خلوتی رفت و من را مورد آزار و اذیت قرار داد.

حدود یک هفته‌ای از طرح شکایت ساناز می‌گذشت و ماموران در پی یافتن ردی از مسافرکش قلابی بودند که زن جوانی دیگر شکایتی مشابه مطرح کرد و گفت: ساعت حدود ۸ شب سوار یک خودروی پراید شدم. روی صندلی عقب نشسته بودم. راننده به بهانه این‌که شیشه کنار راننده را بالا دهد به سمت پنجره کمک راننده خم شد، اما یکدفعه صندلی جلو را روی پایم خواباند و مانع حرکت من شد. شروع به داد و فریاد کردم اما با چاقو تهدیدم کرد و بعد هم از مسیر منحرف شد و من را مورد آزار و اذیت قرار داد.

با توجه به این‌که محل وقوع هر دو جنایت به هم نزدیک بود، ماموران اقدام به بررسی دوربین‌های مدار بسته محل کردند. شاکیان بعد از مشاهده تصاویر ضبط شده دوربین‌ها، خودروی متهم را شناسایی کردند و با توجه به اطلاعات خودرو، متهم دستگیر شد و اتهام خود را انکار کرد و گفت: هر دو زن جوان با تمایل خودشان سوار ماشین من شدند و من آنها را آزار و اذیت نکردم.

پرونده برای رسیدگی مستقیم به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و روز گذشته متهم و شاکیان پرونده در شعبه یازدهم حاضر شدند.

متهم در دفاع از خود گفت: اتهام آدم‌ربایی و آزار و اذیت را قبول ندارم. ساناز با تمایل خود سوار ماشینم شد و با هم صحبت کردیم و در خیابان دور زدیم. من به او پیشنهاد دوستی دادم و او گفت مشکل مالی دارم و اگر به من کمک کنی با تو دوست می‌شوم. من هم قبول نکردم و او برای انتقام، علیه من شکایت کرد. شاکی دیگر را هم نمی‌شناسم. من مسافرکش بودم و شاید به عنوان مسافر سوار ماشینم شده باشد.

دادگاه با توجه به محتویات پرونده، متهم را به تحمل ۹۹ ضربه شلاق و دو سال تبعید به مناطق دورافتاده مرزی محکوم کرد.

صحنه سرقت از کارگاه طلاسازی

سرقت ۹ کیلو طلا در اولین دزدی خیلی زود سارقان را گیر انداخت

رویای بر باد رفته

سناریوی سرقت مسلحانه از کارگاه طلاسازی در کمتر از ۱۲ ساعت فاش شد. دو سارق تازه کار با همدستی شاگرد کارگاه، ۹ کیلو طلا سرقت کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از صبح پنجشنبه گذشته و به دنبال گزارش سرقت مسلحانه از یک کارگاه طلاسازی در حوالی میدان محمدیه در دستور کار پلیس تهران قرار گرفت. ماموران پس از حضور در محل سرقت، متوجه شدند دو سارق مسلح پس از ورود به داخل کارگاه، شاگرد آنجا به نام مهران را زخمی کرده و بعد با تهدید صاحب کارگاه طلاسازی حدود ۹ کیلو طلا سرقت کرده‌اند.

ماموران سپس به بررسی محل سرقت و دوربین‌های مداربسته پرداخته و متوجه شدند، دزدان در حالی که در کارگاه باز بود، وارد آنجا شده و نقابی به صورت نداشتند.

تناقض‌گویی شاگرد طلاسازی و بازگذاشتن در، باعث شد ماموران به او مشکوک شده و بازجویی از او را آغاز کنند. مهران در ابتدا ادعاهای قبلی خود را تکرار کرد، اما سرانجام لب به اعتراف گشود و به سرقت از کارگاه با همدستی دو نفر از دوستانش به نام‌های سینا و بابک اعتراف کرد.

بلافاصله تیم‌های پلیسی راهی خانه دو سارق مسلح شده و آنها را شامگاه پنجشنبه دستگیر کردند. در بازرسی از انباری خانه سینا هم طلاهای سرقتی کشف شد.

می‌خواستم پولدار شوم

وسوسه یکشبه پولدار شدن، باعث شد تصمیم به سرقت از کارگاه طلاسازی بگیرد و فکر نمی‌کرد فقط چند ساعت میلیاردر خواهد بود. سینا در گفت‌وگو با جام‌جم، به تشریح جزئیات این سرقت پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

سابقه داری؟

نه برای اولین بار دستگیر می‌شوم.

شغلت چیست؟

آرایشگرم.

مشکل مالی داشتی؟

درآمدم بد نبود و ماهی دو میلیون تومان به دست می‌آوردم. اما دوست داشتم خیلی زود پولدار شوم.

سلاح از کجا تهیه کردی؟

دو ماه قبل مردی به من مراجعه کرد و مدعی شد سلاحی برای فروش دارد و آن را ۵۰۰ هزار تومان خریدم.

بعد تصمیم به سرقت از کارگاه طلاسازی گرفتی؟

نه آن زمان نقشه خاصی نداشتیم. فقط به اجرای سرقتی بزرگ فکر می‌کردم. موضوع را با مهران و بابک در میان گذاشتم و آنها هم قبول کردند با من همراه شوند اما هیچ وقت نتوانستیم به جایی دستبرد بزنیم. سه شنبه گذشته مهران با من تماس گرفت و ادعا کرد در کارگاه طلاسازی مشغول به کار شده و می‌توانیم به آنجا دستبرد بزنیم. همان شب جلسه‌ای گذاشتیم و نقشه را طراحی کردیم. قرار شد صبح روز پنجشنبه آن را اجرا کنیم.

قصد داشتی با طلاهای سرقتی چه کنی؟

فقط به سرقت فکر کرده بودیم. به این که چطور طلاها را بفروشیم و با پول آن چه کنیم، فکر نکرده بودیم.

حرف آخر..

فکر نمی‌کردم ماجرا لو برود و دستگیر شویم. آبرویم رفت و باید سال‌ها در زندان بمانم.

> سه دزد ناشی بعد از خرید اسلحه تصمیم گرفتند با سرقت مسلحانه یک شبه پولدار شوند اما چند ساعت بعد از سرقت ۹ کیلو طلا در دام پلیس گرفتار شدند

محاکمه راننده‌ای که به خاطر مسافر، همکارش را کشت

مرد مسافربر که به خاطر سوار کردن مسافر با همکارش درگیر شده و او را کشته بود، در دادگاه کیفری تهران پای میز محاکمه قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اول خرداد ۹۷ گزارش یک درگیری منجر به قتل در چهارراه یافت‌آباد روی میز ماموران پلیس قرار گرفت. درگیری بین دو راننده خطی که در خط یافت‌آباد به سه راه آذری فعالیت می‌کردند رخ داده بود و یکی از آنها قبل از رسیدن به بیمارستان توسط امدادگران اورژانس با اصابت ضربه پیچ گوشتی به سرش جان خود را از دست داده بود.

تحقیقات پلیسی حاکی بود ضارب فردی به نام حامد است که روز حادثه با مقتول درگیر شده و او را از پای درآورده بود. متهم بعد از درگیری به قتل اعتراف کرد و گفت: با دوستم سهراب در یک خط کار می‌کردیم و چند سالی بود با هم دوست بودیم. روز حادثه سهراب به من گفت نوبت او بوده و مسافری که سوار خودروی من شده باید به خودروی او برود. من هم عصبانی شدم و حرفش را قبول نکردم. یکدفعه کار ما به فحاشی کشید و من با پیچ‌گوشتی‌ای که در دستم بود ضربه‌ای به سر سهراب زدم. فکر نمی‌کردم همان ضربه باعث مرگ او شود.

با اعتراف متهم و شکایت اولیای دم و درخواست قصاص از سوی آنها، پرونده برای رسیدگی راهی دادگاه کیفری یک استان تهران شد. روز گذشته متهم در شعبه دهم دادگاه در دفاع از خود گفت: قتل عمد را قبول ندارم. آن روز زمانی که با سهراب درگیر شدیم، او آینه خودروی من را شکست و من داخل خودرو رفتم و از داشبورد یک پیچ‌گوشتی برداشتم که با آن آینه را باز کنم. همان موقع سهراب دوباره به سمت من حمله کرد و من را از خودرو بیرون کشید. عده‌ای هم برای جدا کردن ما از هم در اطرافمان تجمع کرده بودند. سهراب سعی داشت پیچ‌گوشتی را از من بگیرد ولی یکدفعه با فشاری که اطرافیان به من آوردند به سمت او هل داده شدم و پیچ‌گوشتی در سرش فرو رفت. پس از دفاع متهم و وکیل مدافع او، قضات دادگاه برای صدور رای وارد شور شدند.

هدیه قاتل به دوست دخترش، راز قتل را فاش کرد

متهم سابقه‌دار که بعد از قتل پسر ۱۷ ساله گوشی او را دزدیده بود، در تحقیقات قضایی مدعی شد تا قبل از دستگیری فکر می‌کرده طعمه‌اش را از ناحیه دست زخمی کرده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، وحید ۲۸ ساله. که معتاد به شیشه و دزدی سابقه‌دار است. متهم است شامگاه ۱۳ آبان امسال پسر ۱۷ ساله‌ای به نام ابوالفضل یوسفی را در ۲۰ متری ماهان شهرک شریعتی خانی‌آباد با ضربه چاقویی که به قلبش زده بود به قتل رسانده و گوشی تلفن همراه سامسونگ او را دزدیده و با همدست فراری‌اش گریخته است. آنها با دستور مرادی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران، تحت تعقیب بودند تا این‌که معلوم شد سیمکارت سرقتی مقتول در اختیار دختر جوانی که ساکن اسلامشهر است قرار دارد. با احضار دختر جوان مشخص شد پسر مورد علاقه‌اش به نام وحید این گوشی را به او داده است.

در ادامه وحید و همدستش محمدرضا همان شب در اسلامشهر بازداشت شدند. وحید مدعی شد که هدفش فقط سرقت گوشی بوده و نمی‌خواسته آن نوجوان را با چاقو به قتل برساند.

فکر نمی‌کردم بمیرد!

وحید ۲۸ ساله حالا به خاطر جنایتی که انجام داده می‌داند به آخر خط رسیده و مجازاتش چیزی جز قصاص نیست.

معتادی؟

از ۱۴ سالگی مصرف مواد را شروع کردم. الان هم شیشه می‌کشم و برای تهیه پول خرید شیشه سرقت کردم، البته پیش از این خانواده‌ام هزینه موادم را می‌دادند.

سابقه‌داری؟

بله. به خاطر سرقت لوازم داخل خودرو، زورگیری و نگهداری ۱۶ گرم شیشه هفت سال زندان بودم و اوایل سال ۹۷ آزاد شدم.

از شب جنایت بگو.

آن شب پسر ۱۷ ساله را اتفاقی تعقیب کردم، با چاقویی که سال گذشته در زنجان ۲۵ هزار تومان خریده بودم او را از ناحیه دست زخمی کردم که گوشی را بدزدم.

بعد چه شد؟

فرار کردیم و آن شب گوشی را به رهگذری ۳۵۰ هزار تومان فروختیم و میان هم تقسیم کرده و سیمکارت را به دختر مورد علاقه‌ام هدیه دادم.

حرف آخر؟

پشیمانم و نمی‌خواستم او بمیرد و فقط قصد سرقت گوشی را داشتم. تا قبل از این‌که دستگیر شوم فکر می‌کردم او را زخمی کردم. این اولین سرقتم بعد از آزادی بود که به خاطرش مرتکب قتل شدم.

بخشش قاتل عاشق‌پیشه پیش از محاکمه

مرد جوان که با ریختن بنزین روی دختر مورد علاقه اش درشرق تهران او را به آتش کشیده بود، از سوی مادر مقتول بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، فرید پسر ۳۰ ساله‌ای است که به اتهام آتش زدن دختر مورد علاقه ۲۷ ساله‌اش بعدازظهر ۱۹ اردیبهشت امسال در یکی از محله‌های شرق تهران، با دستور ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران بازداشت شد. او با اعتراف به جنایت و بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد. متهم به قتل با گذشت هفت ماه از جنایتی که مرتکب شده بود دیروز در حالی برای شرکت در آخرین جلسه بازپرسی از زندان به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد که مادر مقتول چند روز قبل برای رضای خدا و شادی روح فرزندش او را بخشید. متهم به قتل در آخرین جلسه بازپرسی گفت: دو سال پیش با مقتول در پیست اسکی آشنا شدم، یک سال بعد پدرم برای راه‌اندازی صرافی با خانواده‌ام به ترکیه سفر کرد، اما من چند ماه بعد به خاطر علاقه به آن دختر به تهران بازگشتم. بعد از مدتی فهمیدم او می‌خواهد با فردی نامزد کند. صبح دهم اردیبهشت در حالی که بطری بنزین همراه داشتم، مقابل خانه‌اش در تهرانپارس رفتم. وقتی از پارکینگ بیرون آمد، سوار خودرویش شدم. گفتم نباید مرا ترک کند و روی خودم و او بنزین ریختم و فندک زدم. هر دو آتش گرفتیم. من زنده ماندم و دختر جوان فوت شد. در این مدت کسی به ملاقاتم نیامد و فکر نمی‌کردم مادر مقتول مرا ببخشد.

پس از بخشش مادر مقتول، متهم به قتل به‌زودی از جنبه عمومی جرم محاکمه می‌شود.

بخشش

فرجامی خوش برای ۲ پرونده قتل

نجات قاتلان زن آمریکایی و مرد معتاد از چوبه دار

دو قاتل که به خاطر ارتکاب جنایت‌های جداگانه تا یک قدمی چوبه دار رفته بودند، با گذشت اولیای دم از مرگ نجات پیدا کردند. قاتلان نجات یافته دیروز از جنبه عمومی جرم محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل سال ۹۱ بود که جسد زن جوانی در حاشیه جاده صباشهر رباط کریم کشف شد. یک هفته بعد مردی سراسیمه به پلیس مراجعه کرد و گفت همسر آمریکایی‌اش مفقود شده است.

با توجه به ردیابی تماس‌های مقتول، پسر جوانی به نام علی که آخرین تماس را با مقتول برقرار کرده بود، توسط پلیس دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد و گفت: «چند وقت قبل سوزان اشتباهی با شماره من تماس گرفت، اما بعد از آن بارها به من زنگ زد و گفت دلش می‌خواهد بیشتر با من آشنا شود. یک روز من و دوستم که خسرو نام دارد نقشه قتل او را کشیدیم تا خودرو و پول‌هایش را سرقت کنیم. برای همین او را سوار ماشین کردیم و من روی او چاقو کشیدم، اما خسرو دهان و بینی‌اش را گرفت و خفه‌اش کرد.»

به‌دنبال اعترافات علی، خسرو هم دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. پرونده در جریان رسیدگی قرار گرفت و متهم ردیف اول به قصاص محکوم شد. اما اوایل آبان امسال با اعلام گذشت اولیای دم بعد از مصالحه با خانواده قاتل، خسرو از قصاص نجات پیدا کرد. روز گذشته خسرو در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران از لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد و در دفاع از خود گفت: «از کرده خودم پشیمانم. من بچگی کردم و خانواده‌ام را به دردسر انداختم و بهترین سال‌های زندگی‌ام را در زندان گذراندم. حالا تقاضای تخفیف در مجازات دارم.»

دادگاه رای پرونده را به زودی صادر خواهد کرد.

قتل مرد معتاد

در دومین پرونده، مرداد ۸۸ مرد میانسال با مراجعه به پلیس ورامین مفقود شدن پسر جوانش را اطلاع داد. تحقیقات برای یافتن ردی از جوان مفقود به نام فرهاد، حکایت از آن داشت که او با فردی به نام داوود معاشرت داشته که بارها بی‌دلیل اهالی محل را با شرارت‌هایش اذیت کرده بود.

داوود بازداشت شد و به قتل فرهاد اعتراف کرد و گفت: «فرهاد اعتیاد و مشکل حرکتی داشت. گاهی به او سر می‌زدم و برایش غذا می‌بردم. روز حادثه سراغش رفتم و او را در حال کشیدن مواد دیدم. چند بار فرهاد به من گفت که با او مواد بکشم و من گفتم معتاد نیستم، اما او به من تهمت اعتیاد زد و بحثمان شد و با هم درگیر شدیم. من با آجر سه ضربه به سر او کوبیدم و بعد در دهانش خاک ریختم و خفه‌اش کردم.»

با اعتراف صریح متهم، دادگاه حکم قصاص او را صادر کرد. با فوت پدر مقتول برادران او به عنوان ورثه ولی‌دم شناخته شدند و با مصالحه با قاتل از قصاص او گذشتند. متهم روز گذشته در شعبه چهارم دادگاه کیفری از لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد و در دفاع از خود گفت: «من و فرهاد با هم دوست بودیم و من کینه‌ای از او نداشتم. از این‌که از روی عصبانیت دست به قتل زدم پشیمانم.»

قضات دادگاه متهم را به تحمل ده سال حبس محکوم کردند.